

با تجمییز و اتحاد همه نیروهای انقلابی میتوان توطنه امپریالیسم آمریکا را درهم شکست

صفحات ۵۲

متن سخنان رفیق کیانوری در مصاحبه با روزنامه اطلاعات

عدم سازش با امپریالیسم

روزنامه اطلاعات، در ستون «نگاه به اندیشه‌ها» با چندین از شخصیت‌های سیاسی کشور ما، درباره «نحوه مبارزه با امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی ماست، چگونه است و چگونه این مبارزه به تعریف کشیده میشود و آیا در طول یکسال گذشته، در جهت مبارزه ضد امپریالیستی پیشرفتی حاصل شده است» به گفت و گو نشسته است.

سالروز جمهوری اسلامی ایران

روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، مردم ایران به پای صندوق‌های رای رفتند، تا بر پیروزی‌های مسلم خود، که در صحنه‌های نبرد روزهای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بدست آورده بودند، لباس قانونی بپوشانند. سرنوشت نظام شاهنشاهی در درگیری‌های خونین ماه‌های قبل از انقلاب تبیین شده بود. در آن روزها بود که مبارزه نیم قرن مردم ایران در راه برافکندن این نظام منحرف شاهنشاهی سرنگون گشت، جمهوری اسلامی پدید آمد.

صحت سال پیش، هنگامیکه پرتو درخشان انقلاب کیسری سوسیالیستی اکثر فضای جهان را روشن ساخت، جنبش جمهوریخواهان درخشش بزرگی از خاک میهن ما ادراک گرفت. شیخ محمد خیابانی، مفکر نامی آذربایجان، یکی از نخستین کسانی بود که در آن دوران نظام شاهنشاهی در ایران بحدی بی‌برو شده بود که حتی رضاخان نیز در ابتدا میخواست دیکتاتوری خود را زیر ماسک جمهوریخواهی برده ایران تبدیل کند. لکن اربابان انگلیسی و نظام شاهنشاهی را «مفیدتر» بحال خلق ایران تشخیص دادند.

حزب توده ایران، که چهل سال طوفان حوادث را از سر گذرانده، قاصد خلق الساعه‌ای نیست که با هرادی بسوسی در حرکت آید و از انجام وظایف اصلی خویش، که اهم آن در این برهه از زمان حفظ جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن است، لحظه‌ای منکف شود.

حزب ما این دستاوردها را از سر گذرانده، قاصد خلق الساعه‌ای نیست که با هرادی بسوسی در حرکت آید و از انجام وظایف اصلی خویش، که اهم آن در این برهه از زمان حفظ جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن است، لحظه‌ای منکف شود.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

از تجدید جنگ برادر کشی در کردستان جلوگیری کنید!

۲۳



خاطره قابناک شهید قهرمان قاضی محمد رهبر بزرگ خلق کرد جاودان باد!

از اعدام قاضی محمد رهبر و ۳۳ سال پیش، ساعت ۴ بعد از سازماندهی حزب دمکرات کردستان نیمه شب ۱۰ فروردین ۱۳۲۶، ایران و بنیانگذار رئیس نخستین درمیدان چوارچرای مهاباد، جمهوری ملی و دمکراتیک خلق که امروز میدان قاضی محمد نام کرد ۳۳ سال میگذرد. بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۰ دوشنبه ۱۹ فروردینماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۱ ریال

پیرامون مضمون و سمت گیری سیاسی پیام کارتر

پیام کارتر

«پیام تاکید کنم که حکومت من (کارتر) وارث يك وضع بین‌المللی ملی حساس میباشد که نتیجه سیاست و اوضاع و احوال دیگری و همه ما را به ارتکاب اشتباهات وادار کرده است.» (بامداد)

«کارتر در پیامی برای امام به اشتباهات آمریکا اعتراف کرده.» (بامداد)

این مراسم سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران و پیرو دعوت دفتر امام، حزب توده ایران همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه نیروهای میهن دوست، آزادخواه و مترقی را فرا میخواند که در مراسمی که در روز شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۵۹، در میدان آزادی برگزار میشود، شرکت کنند و بار دیگر عزم راسخ خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و ادامه مبارزه متحد برضد امپریالیسم، بسوی کودکی امپریالیسم آمریکا و برای تثبیت، تکمیل و گسترش انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران اعلام دارند. حزب توده ایران بدون علامت و شعار خاص حزبی در

پیام کارتر خطاب به امام و نسخه دیگری از آن، که احيانا با «لحن دیگری» به رئیس‌جمهور تسلیم شده، قطع نظر از اینکه پس از انتشار آن در ایران از طرف مقامات رسمی آمریکائی تکذیب شد و احتمالاً، یگانه حجت‌الاسلام آقای سیداحمد خویی، آن تکذیب هم تکذیب شده، سفارت سوئیس و کاردار این سفارت که حامل و ناقل پیام بوده‌اند، بای خود را بخیال خود از باطل این ماجرا کنار کشیدند، ولی در حال پیامی است که در ایران متن آن کارا از رادیو پخش شد و در تمام روزنامه‌ها انتشار یافت و این متن دارای مضمون مبینی است و در جهت پیشبرد سیاست مبینی و همین مضمون همین پیام و سیاستی را که تعقیب میکند، اصل موضوع است. ضمن اینکه بهرحال این مسئله هم مطرح است که چگونه بیاسپانی با این اصیت‌یکلی تکذیب میشود چگونه با حیثیت دولت ایران بازی میشود، این بازی امروز را چه دستپالی رهبری میکند و... ما در این باره بعداً صحبت خواهیم کرد، ولی اینک به اصل موضوع میگردانیم.

«کارتر در پیامی برای امام به اشتباهات آمریکا اعتراف کرده.» (بامداد)

«کارتر به اشتباهات دولت آمریکا رسماً اعتراف کرده.» (جمهوری اسلامی)

مثبت ضد انقلاب کامل شد!

شاه مخلوع در مصر، پختیار خاکن در بغداد، اویسی جلاد در ایران! امپریالیسم آمریکا مثلث ضد انقلاب را طبق نقشه دقیقی تشکیل داده است. امپریالیسم آمریکا میکوشد که با استفاده از این مثلث، انقلاب شکوهمند ایران را بشکند و بار دیگر سلطه خونین خود را بر خلق ما حاکم کند. شاه مخلوع برای رهبری ستاد ضد انقلاب به مصر آمده، پختیار خاکن برای رساندن دستورات به ضد انقلاب در بغداد مستقر شده اویسی جلاد برای هماهنگ کردن فعالیت ضد انقلابیون به ایران وارد شده است. تشکیل این باند چنانچه که دستهای هر يك از آنها بخون هزاران شهید گلگون کفن آلوده است، و قرار گرفتن آنها در نفوس مثلث ضد انقلاب زنگهای خطر را برای هریک از آنها میهن دوست و مؤمن به انقلاب پسا در آورده است. و این درست در زمانی است که امپریالیسم آمریکا ریاکارانه میکوشد خود را دوست خلق ایران نشان دهد. و این درست در هنگامی است که محافل آشکارا می‌کوشند سازش با آمریکا را تهنادهای تاجات ایران معرفی کنند. هدف هر سه این شیوه‌ها فقط یک چیز است، برگرداندن آب رفته به جوی امپریالیسم آمریکا.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در مراسم سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران شرکت کنیم

بناسبت سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران و پیرو دعوت دفتر امام، حزب توده ایران همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه نیروهای میهن دوست، آزادخواه و مترقی را فرا میخواند که در مراسمی که در روز شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۵۹، در میدان آزادی برگزار میشود، شرکت کنند و بار دیگر عزم راسخ خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران و ادامه مبارزه متحد برضد امپریالیسم، بسوی کودکی امپریالیسم آمریکا و برای تثبیت، تکمیل و گسترش انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران اعلام دارند. حزب توده ایران بدون علامت و شعار خاص حزبی در

باز هم صدای امپریالیستها

صدای جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های خبری خود که در روزهای جمعه و شنبه ۹ و ۸ فروردین در ساعت ۱۴ و ۱۵ پخش شد، از مجموع ۴۸ خبر که از منابع مختلف نقل شد، ۳۳ خبر را از خبرگزاری‌های امپریالیستی و مسافران مرتجع نقل کرده است.

نام خبرگزاری	ساعت	ساعت
فرانسه	۱۰	۲۱
آوسیتدپرس	۸	۴
رویتر	۴	۱
یونایتدپرس	۵	۵
پارس	۴	۴
نقل از واشنگتن پست	۱	۱
رادو تلویزیون	۲	۲
فاینشال تایمز	۱	۱
اتحاد برای آزادی افغانستان	۱	۱
رادو پاکستان	۱	۱
تاس	۱	۱

سالروز جمهوری اسلامی ایران ...

بقیه از صفحه ۱

ارج می‌نهد و می‌داند که گرفتن این آزادی از دست زحمتکشان به آسانی ۲۵ سال پیش نیست. سطل آگاهی می‌دهد که از آن می‌گذرد انقلاب و یکسانی که از آن می‌گذرد بسیار ترقی کرده و اکنون به مراتب بالاتر از سطح زمان کودتای آمریکا است. زاهدی است. آمریکا تنها نیز ازمنه قدرتی که در آن موقع داشتند، باقی نمانده است.

اما این مار زهر آگین هنوز بکلی بی‌خطر نیست و تمام تلاش خود را برای ضربت زدن بریکس انقلاب ایران به کار خواهد بست. ما هر قدر هوشتاری و محنت بیشتری این خطر کمتر است و اگر هشیاری را از دست بدهیم و در خواب غفلت و بی‌تفاوتی فرو رویم و خلس را نمانده بگیریم و با بجای خلس واقعی، خطر موهوم برای خود پتراشیم، میدان را برای دشمن خوین انقلاب شکوهند خلقمان باز گذاشته ایم.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران: از تجدید جنگ برادر کشی در کردستان جلوگیری کنید!

میکوشند دستاویزی برای حمله به نیروهای چپ امیل بهمنست آورند و انقلاب را، که با این همه قربانی بدست آمده، به قهقرا بکشانند.

رایجا میکوشند حکومت انقلابی ایران را بهانه یک حکومت سرکوبگر و توطئه ساز، هم‌قماش حکومت سرکوبگر شاه مخلوع به‌جانبیان معرفی کنند و آنرا، چه در داخل و چه در خارج، در مقابل خلق و افکار عمو می قرار دهند. خلاصه، تجدید جنگ برادر کشی در کردستان را که ضد انقلاب به تحصیل آن نائل شود - غربت سنگینی بر انقلاب ایران خواهد بود.

بلدک حقایق فوق‌الذکر و با احساسی قهید و مسئولیت در برابر انقلابیست که حزب توده ایران در این لحظات مخاطره انگیز، درایت امام روشن بین و انسان دوست راه یاری میطلبند تا بار دیگر با دستور قاطع خود راه را بر جنگ افروزان سد کنند و مسئولان امور را به اجرای پیام تاریخی خود فرخوانند.

حل مسئله کردستان بانا تک و توپ و یا با نفستن پیشمرگ و سنگر ممکن نیست. این مسئله را باید با نظر عمیق و استعدادهای رفیع ستم قابل حل است. حزب توده ایران با مسئولیت کامل اعلام میکند که آماده است برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان در مبنای پیام تاریخی امام خمینی در رفع ستم ملی از خلق کرد و بسود انقلاب ایران، بدولت جمهوری اسلامی ایران صلحنامه و صمیمانه و با تمام امکانات و نیروی خود یاری کند.

حزب توده ایران اطمینان دارد که بر بنیاد پیام تاریخی امام خمینی، با اینکه از دماغ احدی خون بیاید و یا وجیبی از خاک ایران حیزیه شود و یا زبانی به تمامیت و حاکمیت و مرکزیت ایران برسد، می‌تواند مسئله کردستان را در اسرع وقت حل کرد. حل مسئله کردستان بر پایه پیام تاریخی امام رفیع ستم

کاست در کام و ذهن خلق باقی است ستم ملی علیه خلق کرد بهانه یکی از حقایق آمیز ترین و اساسی ترین میراث‌های رژیم منفور پهلوی همچنان موجود است و خواست رفع این ستم به محصور آمال این خلق رنج دیده مبدل گردیده است.

جنگ برادر کشی چند ماه قبل، که بی دلیل و فقط بتحریک ضد انقلاب و از طریق گزارش‌های دروغ به همه مردم ایران، در کردستان تحمیل شد و در آن سربازان و پاسداران سر با زور و ستم و بی‌شمرک بی گناه را در خون خود غلطان کرد، رسوایت زهر آگین تازمای بر خراطات تلخ گذشته افزوده است.

حال در یک چنین محیط پر از بدگمانی و نگرانی و تحریک، در منطقه‌ای که چند ماه قبل در آن یک جنگ خونین جریان داشته و با وعده حل مسئله کرد در آن آتش بیس اعلام گردیده، یک عمل کاملاً قانونی و طبیعی می‌تواند در نظر مردم منطقه بشود. مسوولان ستم و اعمال قهر به تلقی شوند. بقیه جریان روشن است و نیازی به توضیح ندارد: احتمال درگیری خونین جدید، چه بخواهیم و چه نخواهیم.

یک جنگ برادر کشی جدید در کردستان اگر درگیر نشود تنها بسود آمریکا، بسود داخلی آن، بسود ارتجاع خواهد بود. خلق و انقلاب از این جنگ فقط خواهند باخت. این جنگ، که از هر دوسو بدستور یک مرکز واحد - سیاسی امریکایی تحریک میشود، برای آنست که:

اولاً با ایجاد یک محرکه خونین و مصنوعی و با برآوردن تشییع جنازه‌ها نظر مردم ایران را از مبارزه اصلی، که مبارزه با شیطان بزرگ - امریکاست، منحرف سازند و مسئله بحران مناسبات ایران و امریکای گروگانها را بدین‌خواه خود حل کنند.

لایماً می‌خواهند با تبدیل کردستان به میدان جنگ، راه را برای مداخله نیروهای خارجی و توسعه ضد انقلاب و رسوخ دشمنان در کمین نشسته و احیاناً تبدیل کردستان به قرق ضد انقلاب باز کنند.

لایلاً مانند همه ادوار گذشته

خاطره تابناک ...

بقیه از صفحه ۵

دارد، قاضی محمد، محمد حسین سپید قاضی (وزیر جنگ حکومت ملی کردستان) و ابوالقاسم صدر قاضی (نماینده سپاه در دوره ۱۴ مجلس و رجل برجسته سیاسی و ملی کردستان) در محاصره نیروهای ارتش شاهنشاهی پدار آویخته شدند.

جلادان فرزندان ارجمند خلق و صدعا پیشمرگ و دسکرات دیگر، چنان گمان کردند که با اعدام قاضی‌ها، آزادی و فکس آزادی اعدام خواهند شد و دیگر خلق کرد از زیر بار این ضربت کمر راست نخواهد کرد. ولی خیال جلادان باطل بود. خلق کرد زنده ماند، رژیم، قربانی باد و دوش بدوش همه خلقهای ایران برای رهایی میهن بزرگ خود ایران از یغ فداکاری دریغ نوزید و اینک امروز ما شاهدیم که تاریخ نه به قهقرا، بلکه به پیش تاخته است: شاه خائن بدست توانای خلق از آنیکه قدرت بزرگشیده شده و جلادانش بدست انقلاب عظیم ایران یا به جوخه اعدام سپرده شده‌اند و یا از ترس انتقام خون دهها هزار ایرانی شریف و بیگناه، فراری‌اند، ولی مزار قاضی محمد، چون سبزه بر پای قبایله آزادی خلقهای ایران نشسته و این آذربایجانی و فارس و لر و بلوچ مبدل شده است.

قاضی محمد یکی از چهره‌های درخشان تاریخ کردستان و سر تا سر ایران و بلکه همه خاور-زمین بود. دسکرات انقلابی، مبارز نستوه و دانشمند پژوهنده بود که راه رهایی خلق را بدرستی شناخت و تا پسین نفس آنرا ادامه داد. هنگامیکه جلاد خواست چشمانش را ببندد، او اعتراض کرد و گفت:

«میخواهم در آخرین نفس به سپیده افشای سحرگامی بنگرم که چگونه سینه ظلمت را می‌شکند.»

او در آخرین سخنان، دوزیر چوبه دار، خطاب به جلادان گفت: «شما امروز یک قاضی محمدا اعدام میکنید. ولی بدانید که فردا هزاران قاضی محمد در کردستان پا خواهند خواست و کردستان انقلاب را به پیروزی خواهد رسانید.»

سالها سالروز شهادت قاضی محمد را در شرایط خفقان بر گزار میکردیم. اینک به برکت انقلاب ایران دوبار است که خلق آزاد بر مزار شهیدان گرد می‌آیند و سالروز شهادت قهرمانان را گرامی میدارند.

خلقهای ایران دها هزار شهید و آخرین کاروان شهیدان، ما در برابر همه شهیدان تاریخ میهن خود سر تعظیم فرود می‌آوریم و پیمان تجدید میکنیم که هر چه مبارزه را همواره بلند و بلندتر نگاه خواهیم داشت و پاسدار خون و آرمان شهیدان گرانقدر خواهیم بود.

علیرغم تحریف دشمنان و مدخل‌های پیردک دوستان، تاریخ خلق کرد نیز تاریخ مبارزه طبقاتی بوده و هست. این واقعیت نیرو-های آگاه و مبارز کردستان را بر آن میدارد که منافع مبارزه طبقاتی را در مرکز توجه قرار دهند و راین راه روشن‌ترین سر-مشق و نمونه، همانا حکومت ملی کردستان و شخص قاضی محمد است.

قاضی محمد می‌دانست که دشمن خلق کرد کیست و دوست وی کدام است. او جنبش رهایی بخش کردستان را به‌شانه جزئی از جنبش انقلابی سرتاسری ایران طرح می-کرد و همه سیاست و عمل این جنبش را بر مبنای آنکه بر جنبش انقلابی ایران و جنبه سدها امپریالیستی و مرتعی جهان قرار میداد.

در شرایط جهانی آروز، جنبش کردستان شکست خورد و قاضی محمد و یارانش شهید شدند. ولی راه قاضی محمد، پیروز شد و پیروزی انقلاب شکوهند ایران در واقع جز نتوادم انقلابهای گذشته

که بفهماند زیر دستکش مضمحل دولت آمریکا پنجه بکس گنگستر نیز نهفته است. در ماده ۲ اعلامیه آمده است:

«آقای کارتر گفته است هیچ مایل نیست دست بکار فشار و تضییق بر ضد ایران بشود (ولی) وضعیت گروگانها و عوامل داخلی در آمریکا او را بسیار تحت فشار قرار داده‌اند و وی نمیتواند این عوامل را نادیده بگیرد.» (و دست بکار فشار و تضییق بر ضد ایران نشود.)

فراموش نکنیم که دو روز پس از تاریخ تسلیم پیام (که روز ۲۶ مارس - مطابق با ۶ فروردین انجام گرفت). سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام داشت:

«برخی گزارشهای خبری که ضمن آنها گفته میشود آمریکا احتمال استفاده از زور علیه ایران را رد کرده است، در واقع نظرات دولت آمریکا را به نحو نادرستی تفسیر کرده‌اند... من احتمال استفاده از نیروی نظامی را رد نکرده‌ام.»

و نیز گفت: «با شکست کمیسیون تحقیق سازمان ملل در حل مسئله گروگانها (که از نظر کارتر یکی از مسئله استراتژ شاه سابق و اموال بسرت قدرت او جداست)، راهیهای دیگری از جمله اعمال مجازات اقتصادی علیه ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.»

این اظهارات پس از تسلیم پیام کارتر خطاب به امام، به وسیله کاردار سفارت سوئیس، از طریق وزارت خارجه ایران است. باینجا اضافه کنید انتقال شاه مخلوع را به مصر، اعزام بختیار را به عراق، اعزام اوسوی را به ایران و انواع دیگر توطئه‌هایی را که آمریکای جنایتکار بر ضد انقلاب ایران و برای شکست آن و یا تسبی کردن آن از محتوای ضد امپریالیستی و خلقی طرح کرده و اجرا میکند تا کسی نتواند بجای دشمن واقعی کشور، و خلق، و انقلاب ما، دشمن مجازی بنشاند.

در پایان این سوالات اساسی هم برای مردم ایران مطرح است که: آمریکا چرا جرات کرده است ایران را دعوت به همکاری کند؟ آمریکا بر اساس چه شواهدی امید پیدا کرده است که میتواند صمیمانه همکاری با ایران بر ضد دشمن مشترک (آند دیگری) تشکیل دهد؟ آمریکا چگونه جسارت یافته است که نظام سیاسی ایران و آمریکا را از یک سنج بداند؟

پاسخ این سوالات اساسی را، اگر مسئولان امر ندهند، ما خواهیم داد و مردم هم درخواهند یافت.

پیرو امون مضمون و سمت گیری سیاسی پیام کارتر ...

بقیه از صفحه ۱

و در آخر پیام، این «دیگری» بعنوان دشمنان و اصرار نظامی سیاسی مربوطه ماه معرفی شده و خطر آن مجسم گردیده است: «چهاره می‌خواهم چهارتا اعلام دارم که به نظر من (کارتر) زمان و دشمنان واقعی نظامی سیاسی مربوطه، بزبان ما مشغولند.» پس شما می‌توانید نتیجه بگیرید که اولاً دشمن واقعی نظام سیاسی ایران، آمریکا نیست، آمریکا دشمن مجازی است، نه واقعی، لایماً دشمنان سیاسی مربوطه ما (ایران و آمریکا) از یک سنخند و دشمنان ایران و آمریکا نیز مشترکند که بزبان ما (ایران و آمریکا) مشغولند و این «دشمنان واقعی» همان «دیگری» است و بنام روسیه (بجای شوروی) معروف صورتان هست! بر این مینا - شناخت دشمن مشترک میتوان آشتی کرد و برای این آشتی غیر از شناسایی اشتباهات سابقه کمیسیون مشترک تشکیل داد (گروگانها مهم نیست، آنها را کافی است که به دولت ایران تحویل دهند) تا این کمیسیون مشترک نه فقط اختلافات را حل کند، بلکه در روابط آینده ما را توسعه دهد. البته فراموش نشود برای مینا که دشمنان واقعی نظامی سیاسی مربوطه ما مشترکند و آنها همان «دیگری» است!

این است مضمون فشرده پیام و سیاستی را که در ایران تعقیب میکنند.

اعتقاد واضح امام به اینکه کشور ایران متعلق به خلق ایران است و مردم باید به تمامی امور، از جمله امور سیاسی مربوط به کشور خود آگاه باشند و در پیلوماسی مضمونی متناقض با منسلت خلقی انقلاب ایران است، باعث شد که فرمان امام این پیام با آن مضمون و هدفگیری سیاسی انتشار یابد.

متعاقب انتشار پیام کارتر به امام (فردای انتشار آن توسط رادیو - تلویزیون) معلوم شد که پیام مشابه دیگری، احیاناً با دلنویسی دیگری، ولی به یقین با همان مضمون و مستگیری سیاسی در پیوسته جمهوری نیز تسلیم شده است. روزنامه‌ها متن این پیامها تا دیروز صبر منتشر نکردند. لابد بدلیل اینکه آنرا نداشته‌اند. گرچه طی اعلامیه‌ای که از جانب رئیس جمهور انتشار یافت، دریافت آن تأیید گردیده و تصریح شده است که پیام آقای کارتر به امام و این جانب همزمان وسیله کارزار سوئیس در تهران تسلیم شده است.

از متن اعلامیه چهارماده‌ای رئیس جمهور چنین استنباط می-شود که لحن پیام کارتر خطاب به رئیس جمهور چنان انتخاب شده

گشایش دفتر حزب توده ایران در ایده

روز هفدهم اسفند ماه ۱۳۵۸ دفتر حزب توده ایران در ایذه افتتاح شد.

در مراسم گشایش دفتر حزب توده ایران در ایذه، در پیشین شهرستان گروهی از اعضاء و هواداران حزب شرکت داشتند.

بقیه از صفحه ۱

با کمال تأسف باید گفت که مسئولین کشور تاکنون کوچکترین اقدامی علیه توطئه‌های خطرناک امریکا و از جمله تشکیل ملت ضد انقلاب نکرده‌اند. حتی در ارگانهای رسمی کشور کوچکترین هشدار دهنده خطر امریکای در آستانه استفاده است. نیست. ما بار دیگر در این لحظات حساس، برای هزارمین بار هشدار خود را تکرار میکنیم: **امپریالیسم امریکا با همه نیروی شیطانی خود در آستانه شکست انقلاب ایران رانده است. پس این توطئه تنها با بسیج خلق، با اتحاد خلق میتوان مقابله کرد.**

اتحاد و همکاری با همه نیروهای انقلابی ایران برای دفاع از انقلاب ایران، که خوبهائی شهیدان است، گام برخواهد داشت، که این یگانه راه رهایی خلق کرد نیز هست.

دردور روان پاک شهیدان خلق کرد و همه خلقهای ایران!

مشق ضد انقلاب ...

بقیه از صفحه ۱

ایران، که جنبش تاریخی ۲۵ بهمن ۱۳۲۴ کردستان یکی از آنها بود، چیزی دیگر نبود.

حکومت ملی کردستان و راه قاضی محمد در کردستان، آنچنان سنن عمیق و خلقی و انقلابی آفریده است که امروز، پس از گذشت ۳۴ سال، در هر قدم این دیار، آثار آنرا در اعصاب توده‌های خلق مشاهده میکنیم. اگر سپاهاد به مرکز زندگی سیاسی کردستان مبدل گردیده و ولایت مکرمان در برابر ضد انقلاب، به سرکشتی-ناپذیری مبدل شده، این ها همه از برکت سنن و رسوم سیاسی و انقلابی است که برهبری قاضی محمد در این سرزمین پسرینزی گشته است. رمز احترام عمیق خلق کرد به دسکرات و پیشمرگان دوران قاضی محمد، که اینک برف پیری بر سرشان باریده است، در همین خدمت تاریخی آنهاست. در روز شهادت قاضی محمد، نام پرافتخار مبارزان دلیری چون علی شیرزاده و احمد فاروقی و حمید کازرجی و عبداله روشنگر و سلیمان خمینی و مسالآورده و اسمعیل شیرزاده و عزیز یوسفی و دها مبارز قهرمان دیگر را بیاد می‌آوریم و از مبارزات پر شور و صداقت و فداکاری آنها در راه انقلاب الهام میگیریم.

گرچه امروز امریکای تیسر و تاری هنوز بر آسمان کردستان در گشت و گذار است، لکن ما اطمینان داریم که نیروهای انقلابی اسیر کردستان، با الهام از راه قاضی محمد، راه پیروزی بر مشکلات را خواهند یافت. در طریق

یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی

«مردمان کرد ستم تهران منتشر میشود، از کوسک‌های ستم میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی، که روزهای یکشنبه

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید

گزارشی از کارگاههای «دیگ زود پز سازی» اطراف مشهد:

یکی از کارگران: چند وقت دیگر من هم باید دستم را روی چشمم فشار دهم و با سرفه جان بکنم



این کارگر جوان در کنار کوره آتش، زودتر از آنچه که باید، جوانی و نیرویش به تحلیل میرود

همه کارگر جوان و قوی - بنیه‌ای نمیتواند پیش از چند سباحی در این کارگاه دوام آورد. کارگر خیلی زود این دخمه‌ها و سردابه‌های زیر زمینی را، که با دیوارهای سیاه و دود گرفته و سقف کوتاه و فضای تاریک - که در آن تپاده‌دوئرات آلومینیم را میتوان استنشاق کرد - پسا دستاوردی از بیماریهای ریوی و چشم‌من ملتهب و کمسو ترکمی- کند، تا انسان دیگری بیاید و جای او را بگیرد و این صدهود و رنج را دوباره آغاز کند. اگر او خود دست از کار نکشد، پس از مدتی اخراج میشود، زیرا دیگر توان خود را از دست داده و نمیتواند همچون روز اول پسا چشمانی سالم و سینه‌ای بازوستانی بر توان روزانه‌دها و ده‌ها «دیگ زودپز» را بریزد و «بیرزده» و «بیرزده» و اجزایش را بر آن سوار کند و راهی بازارش نماید.

در اینجا کوچکترین اثری از بهداشت، ایمنی و شرایط انسانی کار نمیتوان یافت!

در حاشیه شهر مشهد و از جمله نزدیک جاده سیاه‌ان اطراف کوی طلاب، چندین کارگاه «دیگ زودپزسازی» وجود دارد که در زمره هزاران کارگاه با سرمایه کوچک و متوسط ملی هستند. در این کارگاهها، که دیگهای زودپز نسبتا ارزان قیمت ساخته میشود، و در هر کدام تقریبا ۱۲ - ۱۰ نفر کار میکنند، همچون بسیاری کارگاههای مشابه، کوچکترین اثری از بهداشت، ایمنی و شرایط انسانی کار نمیتوان یافت و کارگران بی‌درویه استثمار میشوند.

هر کارگاه «دیگ زودپزسازی» از سه قسمت اصلی تشکیل شده: ریخته‌گری، پرداخت و سوار. قسمت ریخته‌گری، که در آن قراضه‌های آلومینیم در کوره پرجراتی ذوب شده و در قالبهای دیگ ریخته میشود، بادیوار-

های سیاه و دود گرفته و سقف کوتاه و فضای تاریک بیشتر به دخمه و سردابه زیرزمینی شبیه است تا محل کار. کار در این قسمت با حرارت زیاد کوره طاقت فرم است و هر کارگر جوان و قوی بنیه‌ای پیش از چند سباحی در این محل تاب نمی‌آورد. کارگر در اینجا خیلی زود به بیماری و بدنبال آن اخراج از کار منتهی میشود، تا دیگری بیاید و این قسه‌رنج را از سر بگیرد. بدنیست اینها هم بدانند که قراضه‌های آلومینیمی که در دل کوره آب میشود، بیشتر توسط کودکان و نو جوانان گرسنه، از این و آن آشفالهایی جمع آوری شده و به قیمت ناچیزی بفروش رفته‌است. در قسمت پرداخت، باید به شرایط طاقت فرمائی که برای قسمت ریخته‌گری گفتیم، هوای دود گرفته و پر از ذرات آلومینیم را، که از سایش دیگها حاصل شده، نیز اضافه کرد. بهین شامل کارگران جوان این قسمت خیلی زود به ناراحتی‌های سخت ریوی و بیماریهای چشمی مبتلایم- شوند. سرفه‌های شدید و چشمان ملتهب این کارگران از همین

عامل بوجود می‌آید و بدیسی است که بیماری خیلی زود اینان را نیز از چرخ کار بیرون می‌اندازد. در قسمت سواراجزای دیگ را به بدنه آن متصل میکنند. کارگران این قسمت سن بیشتری دارند. در آخر محصول کامل، بسته بندی و انبار میشود. در این کارگاه روزانه حدود ۱۰۰ دیگ ساخته میشود که هر کدام حدود ۶۰ تومان بفروش میرسد. در گفتگوی کوتاهی که با کارگران این کارگاه بعمل آوردیم، آنان ما را با بیسی شرایط سخت کار خود آشنا کردند. «حقوقمان کم است، بیمه نیستیم، شرایط کار شویر بهداشتی و غیر ایمنی است و از همه بدتر آینده‌ای نداریم.» حمید کارگر ۱۹ ساله، که علیرغم سن کم، سیلی رنج بر چهره‌اش خوانش نقش بسته، در پاسخ ما، نفس پر صدائی میکشد و می‌گوید: «حقوق؟ بعد از مدتها کار

کردن تازه روزی ۵۰ تومان می‌گیرم که باید با آن خرج خودم و معاذیر پدر و خواهر و یک برادر کوچکترم را تامین کنم. نسیانم کار ما به کجا میکشد؟ با این محیط خطرناک کار معلوم است چند وقت دیگر من هم باید دستم را روی چشمم فشار دهم و با سرفه جان بکنم. کارگر دیگری که به حرفهای ما گوش میدهم، پیش می‌آید و میگوید: «پدرم، ما با این وضع بد، بیمه درمانی نداریم. وقتی بیمار میشویم حقوقی بهمانند و زن و فرزندمان باید گرسنگی بکشند. علاوه حق پانزده سگی هم برای ما در نظر گرفته نمیشود... خلاصه عمرمان را با این کوره‌ها و دستگاههای پرداخت دیگ می‌گذرانیم، بدون اینکه سروسامان و آینده‌ای داشته باشیم.» از کارگر دیگری راجع به مشکل کارگران و رابطه وزارت کار با آنان نپرسیم. جواب میدهد: «وزارت کار که انگار مارا فراموش کرده. کسی نمی‌آید از وضع و حال ما پرس و جو کند، بلکه رسیدگی بشود. از سندیکا

● در کارگاههای «دیگ زود پز- سازی» اثری از بهداشت، ایمنی و شرایط انسانی کار دیده نمیشود ● سرفه‌های شدید و چشمان ملتهب و کم سو، عارضه همه کارگران این کارگاههاست ● کارگران: حقوقمان ناچیز است، بیمه نیستیم، شرایط کار غیر بهداشتی و نا امن است و از همه بدتر وضع آینده مان تاریک است

یک کارگران نمایان میشود و آنان خواست - تم خود را از انقلاب - انقلابی که نهالی با دستان مرهمی بر زخم‌مان بگذارد. آخر جمهوری اسلامی ایران اگر اسلام محمد و علی را دارد، باید یاور ما باشد، نه اینکه ما، یعنی همانها که انقلاب کردند و بتول امام خون دادند، جوان دادند و صاحب واقعی انقلاب هستند و همچنان فراموش شوند. بگوید! درد ما را بنویسید! ما مسکن میخواهیم، باید بیمه شویم، باز سنگین گرانی بردوش ماست. باید محیط کارمان ایمنی و بهداشتی باشد، چه بگویم؟ لایق باید ما را بماند، زندگی خودمان، آیم در دوران انقلاب، امیدوار باشیم...»

جلوگیری از استثمار بی رویه کارگران، وظیفه دولت انقلاب است! همانطور که گفتیم، کارگاههای «دیگ زودپز سازی» از جمله کارگاههایی هستند که چرخشان با سرمایه ملی حرکت میکند. برای رسیدن به استقلال



کارگران مراحل آخری کار را انجام می‌دهند

کارگران گرمابه‌های عمومی: کار در رطوبت، ملال و رنج

از آن هنگام که کم‌کم روز به زیر پوست شب میلود و شهر آرام از خواب بیدار میشود، سحرخیزی هستند که پیش از همه مردم شهر بیدار میشوند و در محیط آلوده و مرطوب گرمابه‌های عمومی تبران گرم کار میکنند. این سحرخیزان تا آن هنگام که شهر بخواب می‌رود، کف میکنند و در آخر شب جسم خسته خود را، غالبا دوازده خانوا، در همان گرمابه‌های خیس و نمناک بخواب می‌سیرند، تقریبا دیگر بار بی‌حاشیه پز آنرا به کار کنند. در تبران حدود ۳۰۰ گرمابه عمومی وجود دارد. سرپرستی بیشتر این گرمابه‌ها کارکنان سپیده دارند که سرفه‌های داماد دارند و هر ماه میلی پنهان اجاره به مالک اصلی حمام می‌پردازند. اجاره‌داران و مالکین گرمابه‌ها در واقع کوه سنف گرمابه‌داران تبران متشکل هستند. این اتحادیه که سالها پیش تشکیل شده، سه سال پیش توانست نرخ استحمام را به مقدار قابل توجهی بالا ببرد. پس از انقلاب رئیس قبلی سنف برکنار شد. فعلا قرار است که برای اعطاء سنف رئیس جدیدی انتخاب شود. در حال حاضر بعلت بالا بودن هزینه گرمابه‌ها، اجاره داران و کارفرمایان خودسرانه و بدخواه نرخ استحمام را دوباره بالا برده‌اند و سعی در رسمی کردن نرخهای گرانتر دارند. بیشتر گرمابه‌های تبران در جنوب شهر قرار دارند، زیرا با وجود بالا بودن سطح بهداشت و خانه‌های سکونی نوساز و مجیز در شمال شهر، گرمابه‌ها در شمال شهر کسب پررونقی ندارند. هر گرمابه بطور متوسط ۱۰-۵ کارگر دارد، که بر حسب وظائفشان ناسهای گوناگون دارند و عبارتند از: (۱) سالن دار، که مسئول نمره‌های خصوصی است، (۲) جامه دار، که مسئول حمام عمومی است. سالن دار جامه‌دار و بعلت بر خورنداری از انعامی بیشتر، در آستان از دیگر کارگران حمام بیشتر است. آنها روزانه حدود ۲۰۰-۱۰۰ تومان درآمد دارند. البته این مبلغ در گرمابه‌های مختلف فرق میکند. (۳) توتاب که مسئول کوره‌ها و گرم کردن حمام است و در حدود ۶۰ تومان در روز مزد میگردد. کار در کوره‌های قرون وسطائی و خطرات ناشی از کار، از قبیل انفجار و هرای مسموم کوره‌ها خیلی زود این کارگران را

اخبار کارگری

کارخانه لباس دوزی قسمت سر رشته داری ارتش و مشکلات کارگران

کارخانه لباس دوزی قسمت سر رشته داری ارتش واقع در میدان سپاه (عشر آباد سابق) - خیابان عظیم نزدیک به ۱۵۰۰ کارگر دارد. در این کارخانه نزدیک به ۵۰۰ زن کارگر کار میکنند که بیشتر به کارهای جزئی، نظیر دوختن دکمه و جادگه لباس‌ها می‌پردازند و به مبنای کاری که انجام میدهند، دارای حقوق متفاوتی هستند. کمترین میزان دستمزد از آن کارگران چرخ کار و دست کار است. نیمی از کارگران روزمزد و بقیه کارمزد هستند. در قسمتی از کارخانه، که کارگران در اطاقهای مجزا و متعدد (هر ۸ نفر در یک اطاق) لباس کار ارتش می‌دوزند، تفت نسبی و در قسمت دیگری که کارگران در سالن‌های بزرگ و در کنار یکدیگر لباس سحرایی ارتش می‌دوزند شکل بیشتر است و وحدت نسبی در مورد خواستها وجود دارد. دلیل دیگر این تفاوت، به اختلاف حقوقی این کارگران - علیرغم نامشابه آن‌ها - بازمی‌گردد. به این معنی که در قسمت دوخت لباس‌های سحرایی، کارگران کارمزد به ازای هر ۱۰۰ دست لباس که دکمه یا مادگی می‌دوزند، ۶۵۰ ریال میگیرند و در قسمت دیگری (که لباس‌های کار می‌دوزند) به ازای هر ۱۰۰ دست لباس که مادگی می‌دوزند، ۳۵۰ ریال دستمزد می‌گیرند. در این کارخانه شورا وجود دارد و ۳ نماینده دارد. اما شورا چندین مورد حمایت کارگران نیست، زیرا بیشتر از کارفرما جانبداری می‌کند. کارفرما بارها کارگران را در مقابل اعتراض به شرایط سخت کار، به اخراج تهدید کرده است و خیلی راحت به کارگران فشار می‌کند. ساعات کار از ۷ صبح الی ۶ بعد از ظهر و وقت ناهار یکساعت است. ولی در کارخانه از غذا خوردی خبری نیست.

از ساعت ۴ تا بعد از ظهر پنجشنبه‌ها جلسات «پیش و پاسخ» تا اطلاع ثانوی، روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود. از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد مسائل معاصر آسیا و آفریقا تألیف دانشمند بزرگ ر. اولیانفسکی هنوز همشی چریکی جدا از توده حیدر مهرگان پیکه لینی گدا (خنده گدا - به زبان کردی) حسن قزلچی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره لحظه خطرناک کنونی

با تجمیز و اتحاد همه نیروهای انقلابی میتوان توطئه امپریالیسم امریکارا درهم شکست

ابرهای تیره‌ای در آسمان انقلاب ایران پدید شده، که هر روز مترکم‌تر میشود. تجربه دردناک جنبش ملی ما در مرداد سال ۱۳۳۲ و تجربه‌های دردناک نظیر آن در انقلابهای کشورهای نظیر ایران، بمانندار میدهد که با احساس سنگین‌ترین مسئولیت، به این «ابرهای تیره» توجه کنیم و از هیچ اقدامی فروگذار ننماییم تا توطئه‌های جهنمی ضدانقلاب، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و نیروهای وابسته به آنان در داخل کشور را باشکست روبرو سازیم.

با احساس این مسئولیت تاریخی، حزب توده ایران دیدهای خود را در لحظه کنونی در اختیار همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی و همه نیروهای مبارز انقلابی میگذارد.

احتکار و کران کردن مایحتاج عمومی، دزدی و ارتشاء و فرار دادن جنایتکاران به خارج کشور و... پایان مییافت. بسا آن ترتیب نقش همه‌جانبه امپریالیسم شکل میگرفت و اجزاء آن عبارت بودند از:

- ۱- تشدید فشارهای سیاسی- اقتصادی تاحد محاصره کامل، مانند آنچه پس از انقلاب کوبا از طرف ایالات متحده و متحدینش در مورد آن کشور عملی گردید.
- ۲- تدارک همه‌جانبه برای اقدامات احتمالی نظامی محدود و یا حتی دامنه‌دار علیه حاکمیت ایران.
- ۳- تحریک همه عوامل ضدانقلاب در ایران از راه فرستادن پول و اسلحه و تربیت خرابکاران و اعزام آنها از عراق به کردستان و خوزستان و از عربستان سعودی و پاکستان به خوزستان و سایر نقاط ساحلی جنوب ایران.
- ۴- تحریک گروه‌های حادثه جوی راست‌گرا و چپ‌رو برای آشوب بنام «حزب‌الله» از یکسو و بنام «کمونیسم» از سوی دیگر، برای تشدید تفاق و دشمنی بین نیروهای راستین ضد امپریالیسم و خلقی.
- ۵- تخریب و فلج کردن همه کارها و بویژه اقتصاد ملی برای تشدید ناراضگی مردم در همه زمینه‌ها.
- ۶- تیره کردن هر چه پیشتر مناسبات ایران با افغانستان و از آن راه تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی.

رویداد دی ماه در افغانستان - مبداء یک تغییر کیفی

نقشه «انورساتی» امپریالیسم آمریکا در افغانستان باشکست روبرو شد. توطئه حفیظ‌الله امین را نیروهای انقلابی افغانستان نقش بر آب ساختند و دولت انقلابی جدید، بوجه فرار داد موجود بین اتحاد شوروی و افغانستان، از دولت شوروی تقاضا کرد که برای مقابله با نیروهای ضدانقلاب، که بوسیله آمریکا و چین و پاکستان تجهیز و تقویت و به دولت افغانستان کمک نظامی برسانند.

برای امپریالیسم آمریکا، دولتهای ارتجاعی منطقه، پس‌گردگی مصر و عربستان سعودی و پاکستان، و چین و به موازات و همگامی و هماهنگی با آنان، برای سازش کاران و هواداران نزدیک به سیاست آمریکا، این تحول در اوضاع افغانستان یک مانده آسمانی بود. تمام تبلیغات جهان امپریالیستی و به تبعیت آنان تبلیغات هواداران شان در ایران، به یکبار با فریاد های «اسلام در خطر است»، به کار افتادند. طیف ناهنجاری که زیر این شعار وارد مصر گشت. از آقای برژنفسکی، آتش-افروز جهانی آغاز میشد و در کفلسر و کی‌سینجر و کاتر و خانم تاج‌روهربران بودائی چین و ژاپن و هربران مسیحی اروپای غربی و حتی آقای پاپ را در بر میگرفت. در صف اول این دسته آوازه‌ها و شعارهای خائنی مانند سادات و ضیاءالحق و مهد و آدمکشان بنام دنیای وابسته مانند سوهارتو، نمیری جای گرفتند و همه فریاد «اسلام در خطر است» را برآوردند.

برود این عنصر تازه در میدان سیاست، به ضدانقلاب و هواداران نزدیک امپریالیسم امریکاسازشکاران و تسلیم طلبان در نهادهای حاکم در ایران، که همگی برائی اوج مبارزات ضد امریکائی ماههای پیش و افشاکریهای انجام‌داده، به سوراخ‌هایشان پناه برده بودند، امید تازه‌ای بخشید و باین صورت جبهه تازه‌ای بوجود آمد.

هدفهای سیاسی این جبهه جدید تجلی زودمتنفس گردید، در سیاست داخلی ایران، حمله همه‌جانبه به نیروهای ضد امپریالیسم آمریکا و بویژه حمله برای تصفیه و بی‌اثر ساختن جریانی که بنام «دانشجویان مسلمان» پیرو خط امام، شکل گرفته بود، در زمینه سیاست خارجی،

دامن زدن به دشمنی علنی با دولت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی، پیدایش چنین گرایش در ایران امپریالیسم آمریکا را امیدوار ساخت و باعث شد که درست‌گیری سیاسی اش که پیش از رویداد اخیر در افغانستان طرح ریزی شده بود، تغییراتی بوجود آید. امپریالیسم آمریکا امیدوار شد که خواهد توانست زیر پوشش سازشکاران و فرصت طلبان و بوسیله کارگزاران و دوستانش شرایطی بوجود آورد تا بتدریج جو ضد امریکائی در جامعه ایران به جو ضد شوروی و ضد کمونیستی تغییر یابد و بر پایه چنین تغییر شرایط ضروری برای رسیدن به هدفهای کوتاه مدت و دراز مدت، گام بگام آماده گردد.

اولین نتیجه عملی این تغییر سیاست امپریالیسم آمریکا این بود که در تصمیم محاصره اقتصادی ایران تجدید نظر بعمل آورد.

بطوریکه میدانیم آمریکا تا پیش از رویدادهای افغانستان، با اینکه تلاشهایش در شورای امنیت برای گذراندن یک قطعنامه عمومی برای تحریم اقتصادی ایران بر اثر مخالفت اتحاد شوروی و استفاده از حق وتو باشکست روبرو شده بود، بطور قاطع تصمیم داشت که با همکاری هندوستان و اروپای غربی، ژاپن و چین و کشورهای وابسته «دنیای سوم» محاصره اقتصادی ایران را عملی سازد و مقدمات این کار را هم فراهم میگرداند. در حالی که به آبهای جنوب ایران فراهم آورده بود.

باید ایش عنصر تازه، امریکانزدینال کردن این نقشه، که شکست آن منوط بر بزرگی را برای سیاست آمریکا در منطقه در برداشت، موقتاً صرف نظر کرد و تمام تلاش خود را در راه بهره‌برداری از امکانات جدیدی که در مقامات حاکم ایران پیدا شده بود، بکار انداخت.

تجلی که در ارتباط با جریان کمک نظامی اتحاد شوروی به دولت افغانستان در سیاست داخلی و خارجی ایران پدید آمدن با بیماری امام و انتخاب آقای بنی‌صدر به ریاست جمهوری شد بی‌سابقه‌ای پدید آمد.

بیماری امام و دوری ایشان از صحنه فعال سیاست روز، امپریالیسم آمریکا را عیناً شاد و امیدوار کرد. امپریالیسم آمریکا، که امام را دشمن آشتی ناپذیر خود میدانند، امیدوار گردید که با بیماری ایشان امکانات ما نورهای ماهرانه و بهره‌گیری از اختلافات و اختلاف نظرهای میان گردانندگان جمهوری اسلامی، به میزان غیر قابل مقایسه‌ای نسبت به گذشته افزایش پیدا خواهد کرد.

پیروزی آقای بنی‌صدر در انتخابات ریاست جمهوری، این امید را بیشتر کرد. تجربه هم نشان داد که این امید بی‌بایه نبوده است.

موضکی رییس‌جمهوری اسلامی ایران در مسائل سیاست خارجی از منتهای پیش‌روشن بود. امپریالیسم آمریکا که از جنبه‌های ضد شوروی شدید این موضکی را از یکسو و آمادگی برای همکاری با کشورهای امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن از سوی دیگر اطلاع داشت، به موقفیت نقش خود در زمینه تغییر فطری سیاست خارجی ایران امیدوار گردید. بر پایه این امید، یک رشته مفضل از فعل و انفعالات سیاسی آغاز گردید.

در چارچوب این فعل و انفعالات از سوی مقامات حاکم ایران و دولت ایالات متحده آمریکا متقابلاً کارهایی برداشته شد،

رویدادهای چند هفته پان سال گذشته اولین روزهای سال نو در میدان سیاست داخل ایران و آنچه در ارتباط با کشورها در جهان گذشته است، بی‌انگیزه است. بی‌انگیزه است بسیار جدی و تکرانی آور در مجموعه سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. مستگیری اساسی این جنبش عبارت بود از گرایش به نزدیکی به امپریالیسم آمریکا، بسامی تجمیزی امپریالیسم اروپای غربی و چین، محوری مشخص این سازش را میتوان از روی مجموعه اطلاعاتی که تا کنون فاش شده است، بصورت زیرین ترسیم کرد:

امپریالیستهای امریکائی پس از پیروزی انقلاب کوشیدند تا با کمک کارگزاران خود مانند امپریالیسم اروپای غربی و آمریکا و در پیادار علوی و بسیاری از امثال آنها، که متأسفانه هنوز هم در مقامات حساس دولتی جای دارند، با استفاده از سازشکاری و تسلیم طلبی لبرال‌های ایران، که فکری جز نتایج سرمایه‌داری انزیر ضربات انقلاب نداشته و ندارند، اوضاع را بتدریج در مسیری مطابق میل خود بیندازند. تدارک و انجام دیدار محرمانه مهندس بازرگان، نخست‌وزیر لبرال ایران، با برژنفسکی مشاور امنیت ریسی جمهوری آمریکا و یکی از طرفداران اصلی نقشه‌های تجاوزکارانه و جنایت‌بار این امپریالیسم جهان‌خواه، نقطه عطف فوقانی این تلاشها و سازشها بود.

در آن مرحله، این توطئه سازش، در برابر درایت و پایداری سیاسی امام و خستگی در ارتباط با اقدام جور و نادرتهای شورویان مسلمان‌پرور خط امام، باشکست روبرو گردید. هوج سهمگین و خروشان خشم مردم نسبت به امپریالیسم آمریکا، که محمد رضا را برای تدارک گامهای بعدی اش علیه انقلاب ایران به نزد خود پناه داده بود، نشان داد که توطئه‌های انقلابی ایران راه آسانی نمیتوان برای سازش با دشمن اصلی اش آماده ساخت.

با اشتغال جاسوسخانه و افشا شدن اسناد فعالیت‌های امپریالیسم آمریکا در ایران حتی در دوران پس از انقلاب، و به درونای جمهوری اسلامی و سیاست‌مداران در درونای جمهوری اسلامی در منطقه وارد آمد و باین کار آمدن دولت کام‌یکام لبرالها و فاش شدن چهره خائنانه امثال امپریالیست‌ها، این توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و لبرالها دچار وقفه گردید.

در بدو این شکست، امپریالیسم آمریکا وضد انقلاب داخلی، که از پیروزی نقشه مکارانه خویش ناامید شده بودند، به حمله مستقیم دست زدند و کوشیدند بر نامه‌ای را که از راه سازش سیاسی نتوانسته بودند عملی سازند، از راه توطئه‌های ماجر اجویانه پیاده کنند.

حزب خلق مسلمان، نریه، مقدم مر اغای هواداران نیرومندان بطور علنی وارد میدان شدند و توطئه‌های قسم و تیزیز برپا شد، که از طرف گروه‌های در ارتش و ماجر اجویانی مانند کومه له و سایر جیره‌خواران و وابسته به پمشی‌های عراق و یکن در کردستان و خوزستان و گروه‌های چپ‌نمای وابسته به امپریالیسم در سراسر کشور مورد پشتیبانی قرار گرفت.

فراوان در مطبوعات و رادیو تلویزیون ایران منتشر گردید و بعداً معلوم شد که شکردهی کوریت نبوده است، در اطراف همین بازی پوشش والد هاید و کیسیون برگزیده او بود.

امپریالیسم آمریکا با بازی ماهرانه والد هاید، برای مقامات دولتی ایران این توطئه را ایجاد کرد که گویا ایالات متحده آمریکا حاضر خواهد بود که باید پیش تصداتی از جانب دولت ایران در ادامه کاسیهای چهارگانه یادآوری شده، مخالفتی با استرداد شاه نکند.

حزب توده ایران در تمام تحلیل‌های خود واهی بودن چنین تصور و امکانی را گوشزد کرد و هشدار داد که ایالات متحده غیر ممکن است با استرداد شاه سابق پیچ قیمتی موافقت کند. محمدرضا برای ایالات متحده یک امر عادی مناسبات بین دو کشور ایران و آمریکا نیست. محمدرضا نمونه بارز یک سلبیله از سرسپردگان و خودفروختگان و جنایتکاران جهانی است که در خدمت امپریالیسم آمریکا، امپریالیستهای اروپای غربی و ژاپن، اداره کشورهای وابسته به آنها را در دست دارند. محمدرضا نمونه بارز انورساتی‌ها، ضیاء الحق‌ها، سوهارتو‌ها، نمیری‌ها، موبوتو‌ها، اسنل آنهاست. تحویل محمدرضا به نیروهای انقلابی ایران از طرف ایالات متحده، همه این کارگزاران و طبقات غارتگر سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ، یعنی پایگاه اجتناب اقتصادی آنرا، نسبت به پشتیبانی از بیاب بزرگ در لحظه‌ای دشوار ناامید میسازد و بایه‌های تسلط فرعون شیطان بزرگ و مجموعه امپریالیسم جهانی را در این کشورها دچار تزلزل خواهد کرد.

ایالات متحده ممکن است در صورت ضرورت حتی شاه مخلوع را بکشد، ولی هرگز حاضر به تحویل او نخواهد شد و حکومتی نظیر پاناما و مکزیک که مانند انورساتی و نظایرش حاضرند با سیاستمداران بی‌تجربه و زودگول‌خور ایران بازی کنند، ولی هرگز بطور جدی باین مسئله یعنی استرداد محمدرضا خائن به انقلابیون ایران نمی‌اندیشند.

برای همه کسانی که پاسیاست جهانی امپریالیسم آمریکا آشنائی دارند، روشن بود که دولت آمریکا با سیاستمداران ایران بازی میکند و با بهره‌گیری از همه عوامل میکوشد کام‌یکام انقلاب ایران را تضعیف کند، در داخل جنبش انقلابی ایران، هر اندازه ممکن است، نیردها را بچنان هم اندازد، و در خارج با بایه‌ها درباره مسئله افغانستان، با کارگزاری عوامل خود در دستگاه‌های تبلیغاتی و در نهادهای انقلاب و در دستگاه دولتی، سرگرمی برای مردم بوجود آورد.

امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم می‌بینند که جنبش انقلابی ایران بجای کمک به جنبش خلق فلسطین، دهها و دهها میلیون تومان از ثروت ملی را برای تجهیز وابستگان طاغوتیها، پالیزبانبها و اوپوهای افغانی بدور میریزد. جوانان پاسداربجای آمادگی برای روبرو شدن با توطئه‌های در حال‌تکوین ضدانقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکا در ایران، از راه پیشاوره افغانستان فرستاده میشوند. درهم نهادهای انقلابی ایران بجای ترویج فکر خطر توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ایران، فکر خطر واهی کمونیسم درمغ جوانان مبارز آفایشته میشود.

باین وصف می‌توان دید که نتیجه حساب همه آن فعل و انفعالات پشت پرده بین سیاستمداران کم تجربه ایران و بازیگران امپریالیسم جهان‌خواه آمریکا، تا پیش از لحظه فرار شاه مخلوع، هم‌اثن بسود امپریالیسم آمریکا و وزیران جنبش بقیه در صحنه

بقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

شوخی نیست...

مخالفت «حاشیه نویسی» با انتشار لیست ساواکیها

حاشیه نویسی محترم روزنامه جمهوری اسلامی بار دیگر با انتشار لیست ساواکیها مخالفت کرد. بار اول که این مخالفت ابراز شد، ما نوشتیم که انتشار این لیست فقط دست ساواکیهای را در میگذراند که زیر نامهای گوناگون، اینجا و آنجا رخنه کرده اند. و از آنجا که مراتب انقلابی گری «حاشیه نویسی» بر همگان آشکار است، ایشان نباید نگران این امر باشند.

حالا هم با این فتنه های آشنانی که در «کمپته» شنیده میشود، در «حاشیه» خود را به چشم میکشد، ما باز هم بر نظر خود استوار هستیم و بار دیگر اعلام میکنیم که لیست ساواکیها باید منتشر شود تا همه تکلیف خود را بفهمند.

ما دوستانه به «حاشیه نویسی» تذکر میدیم که مخالفت با انتشار لیست ساواکیها سبب میشود آنها که مانند ما پاینده اخلاقیات نیستند، برای آدم حرف دربیآورند. خود دانند...

برای آقای طباطبائی هم کلاس حساب!

آقای صادق طباطبائی سخنگوی دولت موقت بازرگان و کاندیدی ریاست جمهوری، در مصاحبه ای با روزنامه «بیلد» تسایونیک، چاب بن فرموده اند:

«روز جمعه دو هفته گذشته در هرات دوازده هزار نفر به وسیله رهلی گوتهای شوروی به قتل رسیده اند»

به نظر ما یا آقای طباطبائی کسه داغتر از آتش هستند و یا احتیاج به شرکت در کلاس حساب دارند، زیرا اولاً حتی خبر گزاریهایی دروغ پرداز امپریالیستی هم تعداد کشته شدگان حوادث کابل را حداکثر ۳ هزار نفر محاسبه کرده اند! ثانیاً در این تظاهرات، بازم به بتول خبر گزاریهایی امپریالیستی، ۱۰ هزار نفر شرکت داشته اند و ظاهراً نمیتوان ۱۲ هزار نفر از ۱۰ هزار نفر را کشتا

آقای بیطرف!

سرپرست وزارت کشور در یک مصاحبه تلویزیونی در مورد گروه نظارت هفت نفری بر انتخابات گفت:

«آنها همه افرادی بی طرف و بی طرف هستند»

ما نسبت به ۶ نفر از آنها آشنائی نداریم، بنابراین نمیتوانیم نظری بدیم، اما یکی از آقایان که بر ما شناخته است، یعنی آقای شمس آل احمد، ایشان بویژه با حزب توده ایران سابقه دشمنی دیرینه دارند. و این دشمنی را بارها بوسیله مطبوعات و رادیو هم ابراز داشته اند. دشمن هم که نمیتواند بی طرف باشد، ما امیدواریم بقیه اعضای گروه واقفان بی طرف باشند.

مزیت بزرگ دمکراسی امریکائی

حضرت جنت مکان، آقای مجیب بادم کاره در پیام تکذیبی شده خود «ملت بی خبر» را با «مزیت بزرگ دمکراسی امریکائی» آشنا کرده و فرموده اند:

«مزیت بزرگ دمکراسی امریکائی این است که همیشه توانسته است اشتباهات خود را شناسائی نموده و با آنها محکوم کند»

تاریخ هم بر صحت نظر آقای «بادم کاره» گواهی میدهد. دمکراسی امریکائی در ایران کودتا کرد و با کشتار خلق، شاه را به تخت سلطنت برگرداند، اما بعد فهمید «اشتباه» کرده و این «اشتباه» را «شناسائی» کرد. بعد از آن دمکراسی امریکائی در کره «اشتباه» مردم را قتل عام کرد و بعد که این «اشتباه» را مورد «شناسائی» قرار داد، تصمیم گرفت در دو سینیکن جبرانی کند، اما آنجا هم دچار اشتباه شد.

دمکراسی امریکائی این «اشتباه» را، که به قیمت کشتار

روی خط افغانستان

آخرین تبلیغات امپریالیستها روی فرار فوئبالیستهای افغانی از افغانستان دور میزنند. چند فوئبالیست از افغانستان فرار کرده اند؛ خبرگزاری فرانسه گزارش میدهد:

«۸ تن از اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان از آن کشور گریختند» (کپهان، ۷ فروردین) این خبر از لندن مخابره شده است. آشوشدپرس از زمین شهر یعنی لندن، خبر میدهد:

«۸ کت اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان به آلمان فریب پناهنده شده اند. از آنها که تیمهای ملی فوتبال بین ۲۲ تا ۱۶ عضو دارند، که ۱۱ نفر از آنها به میدان فرستاده میشوند، بنابراین اکثریت اعضای آن از ۸ نفر باید بیشتر باشد. همین خبر در روزنامه آزادگان، بدون ذکر منبع، چنین آمده است:

«کاپیتان تیم فوتبال افغانستان و چند تن از بازیکنان ملی پوش افغانستان از کشور فرار کرده اند» (۷ فروردین).

ظاهراً خبر فرار فوئبالیستهای افغانی آنقدر موفق است که تعداد فراریان مدام بالا و پایین میشود و آدم نمیداند کدام رقم را قبول کند!

علت فرار این فوئبالیستها چیست؟ خبرگزاری فرانسه از قول کاپیتان تیم گزارش میدهد:

«ما متوجه شدیم که باید به مسکو رفته تا در مذاکرات آنها شرکت کنیم. چون نمیخواستیم چنین کنیم و میدانستیم که ما را خواهند کشت، لذا ترجیح دادیم که فرار کنیم» (کپهان، ۷ فروردین).

یعنی فوئبالیستها که آزادانه از کشورشان خارج شده اند، از «فرس جان» فرار کرده اند! اما آشوشدپرس با این دلیل موافق نیست و خبر زنیس را مخابره میکند:

«محمد سابر روحپرورد، کاپیتان تیم گفته است:

«اعضای تیم ملی فوتبال افغانستان باین دلیل از کشور خود گریخته اند که مانند ۹۹ درصد هموطنان خود از روسها بیزارتند»

اینجا هم آدم میماند کدام دلیل را باور کند!

جاسوس مصر در افغانستان اعتراف میکند

ضیاءالدین محمود، جاسوس مصری که در تظاهرات جمعه سوم اسفند کابل، همراه با چند آمریکائی، مصری و پاکستانی دستگیر شده بود، پریشب در تلویزیون کابل اعتراف کرد که دستکاهای جاسوسی امپریالیسم او را اجبر کرده و به افغانستان فرستاده اند.

ضیاءالدین محمود گفت: «اغلب گروههایی که خود را مبارز می خوانند با دستکاهای جاسوسی در ارتباط هستند. من توسط گروهی به نام اتحاد اسلام در کویت جذب شدم. آنها که رهبران این جملی پستی کرده اند، مرا به خوزستان برای از بین بردن گروه ستم و استثمار فری و گروهی رخلعید کردن مزدوران و حاکم کردن روستائیان غیور، سلمان خوزستان بر سر نوشت خود، اقدام به تشکیل شورای اسلامی کشاورزی روستائی نموده است و طیفه این شورا را تقسیم زمین و حرشکلات و رابطه بین روستا و ارگانهای دولتی میباشد. توضیح اینکه این شوراها زیر نظر سپاه پاسداران و شورای اسلامی کشاورزی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره میشود. در این رابطه تاکنون در مدت بیش از یک ماه پس از اقدام سپاه پاسداران، در بیش از ۶۰ روستا شورا تشکیل داده اند و البته در بعضی روستاها شیوخ فئودالان ترجیح از تشکیل شوراها جلو - گیری بعمل آورده اند و سرپا توسط گروههای غربت عملیات سپاه پاسداران خوزستان دستگیر و بازداشت شدند»

بدیهی است که کلیه کسانی که در بوجود آوردن شوراها و حاکم کردن ملت سلمان بر سر نوشت خوشی خود، امر از فئودالها، سپاه پاسداران و آیدای امپریالیسم همدار داد که اگر بخواهند از این عمل جلوگیری کنند، با اقدام انقلابی سپاه پاسداران خوزستان و مردم روبرو خواهند شد.

متن اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوزستان به این شرح است:

در مطبوعات کشور

خوزستان برای از بین بردن گروه ستم و استثمار فری و گروهی رخلعید کردن مزدوران و حاکم کردن روستائیان غیور، سلمان خوزستان بر سر نوشت خود، اقدام به تشکیل شورای اسلامی کشاورزی روستائی نموده است و طیفه این شورا را تقسیم زمین و حرشکلات و رابطه بین روستا و ارگانهای دولتی میباشد. توضیح اینکه این شوراها زیر نظر سپاه پاسداران و شورای اسلامی کشاورزی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره میشود. در این رابطه تاکنون در مدت بیش از یک ماه پس از اقدام سپاه پاسداران، در بیش از ۶۰ روستا شورا تشکیل داده اند و البته در بعضی روستاها شیوخ فئودالان ترجیح از تشکیل شوراها جلو - گیری بعمل آورده اند و سرپا توسط گروههای غربت عملیات سپاه پاسداران خوزستان دستگیر و بازداشت شدند»

بدیهی است که کلیه کسانی که در بوجود آوردن شوراها و حاکم کردن ملت سلمان بر سر نوشت خوشی خود، امر از فئودالها، سپاه پاسداران و آیدای امپریالیسم همدار داد که اگر بخواهند از این عمل جلوگیری کنند، با اقدام انقلابی سپاه پاسداران خوزستان و مردم روبرو خواهند شد.

متن اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوزستان به این شرح است:

با تجهیز و اتحاد...

فکر میکنند جابجا کردن محمدرضا پهلوی ازینا ما به مصر، بدون موافقت و تصمیم روشن و آگاهانه رهبری سیاست امریکا انجام گرفته است.

روشن است که تصمیم جابجا کردن محمدرضا پهلوی ازینا ما به مصر، مسلماً از جانب شورای امنیت ملی ایالات متحده امریکا، که در روز پیش ازین جریان با حضور همه سران آن کشور با شرکت کارتر تشکیل شد، گرفته شده است.

اطهارات آقای بنی صدر دائر بر اینکه گویا دیوار نزدیک بود که شاه را تحویل دهند و بعثت وجود تمدن اکتز تصمیم گیری در امریکا و دلداریان این جریان عملی نگردیده است، تنها میتواند ناشی از شناخت نارسای ایشان از مکانیسم اعمال حاکمیت مرکز انصارهای امپریالیستی باشد.

ما فکر میکنیم که مانور ماهرانه امپریالیسم امریکا و بازی کورتوالدهایم در اجرای این مانور و اقا برای منامات دولتی ایران این توهم را بوجود آورده که ایالات متحده، در مقابل امتیازاتی که در جهت تامین هدیههای امریکا، از طرف دولت ایران داده شده است، آماده تحویل شاه مخلوع خواهد شد.

ظاهراً درست بعثت وجود چنین تومی برای رئیس جمهور و وزارت خارجه ایران است که جریان جابجا کردن شاه مخلوع برای آنان بکلی غیر قابل فهم میشود و این ماجرا «کارتر» تفسیر ندارد و نیروهای دیگری متعلق به مرکز تصمیم گیری دیگری «مادوا» کارتر، این جریان را درست کرده اند! و ضمناً مانند همیشه و باگمال تاسف، ایشان سپس از تفسیر راه متوجه آن نیروهای راستین ضد امپریالیسم ایران کرده اند که گول این صحنه سازی میان امپریالیسم امریکانه خورده و حاضر به تسلیم «جانی» گروگانها شده اند.

دولت ایالات متحده امریکا به همان نمی توانست سرسپرده ای چون محمدرضا را حتی در معرض خطر قرار دهد که او را در پاناما به محکمه ای دعوت کنند. دولت امریکا از موضع دولت پاناما در این زمینه کاملاً اطلاع داشت و میدانست که رئیس جمهور پاناما، بر خلاف آنچه که وزیر خارجه ایران، آقای قطب زاده، از قول اوسر مردم را گرم کرده، ده روز پیش شخصاً نزد محمدرضا رفته و به او قول و تمساده داده است که پیچوجه موضوع تحویل او به ایران مطرح نیست و موافقت پاناما با طرح درخواست استرداد او تنها در چارچوب ایجاد شرایط برای آزاد ساختن گروگانهای امریکائی در تهران است. اظهارات آقای قطب زاده در روز هشتم، و سخنوری شورای انقلاب در روز هشتم، که پاناما آزادی میدهند گروگانها را از دست دانشجویان سلمان پیرو خط امام شرط مقدماتی برای اجازه طرح درخواست استرداد ایران دانسته است. موبد این حقیقت است. ولی با وجود همه این اطمینانها، برای دولت امریکا همان طرح وائل استرداد شاه خائن، که به سلب جنایات امپریالیسم امریکا را هم مطرح میکرد، غیر قابل تحمل بود و پیش ازین که دعو طرح شود، محمدرضا را از مرکز بدر برد.

برخی از سیاستمداران دست اندر این کار و به پیروی از آنان، مفسرین رادیو و مطبوعات میکوشند اینطور وانمود کنند که گویا سببونیستهای امریکائی کیسینجر و راکفلر، علیرغم صلاح دید دولت امریکا، به چنین اقدامی دست زده اند. این تحلیل راجحی نمیتوان ناشی از عدم شناخت امریکا دانست. این تحلیل تنها برای بیرون آوردن امریکا از زیر بار و خوزستان، است. کیست که نمیداند که در امریکا

مردم خطرناک

نشریه «کار» شماره ۵۰، دمرود حزب توده ایران چنین اظهار نظر کرده است:

«حزب توده بعد از کودتای ۲۸ مرداد، یعنی پیش از ربع قرن است که عملاً متلاشی شده»

یعنی به نظر نشریه «کار»، حزب توده ایران کارش از «منحله» هم گذشته، زیرا:

«بقایای آن هم طی مدت پزویچه دست دستکاهای پلیسی بوده است»

درواقع حزب توده ایران دود شده و به هوا رفته است، یعنی آرزوی دیر سال شاه مخلوع و امپریالیسم بر آورده شده و حزب طبقه کارگر ایران «مردم» است. اما از آنجا که «امپریالیسم» بیکران بر این حزب حاکم است، «مردم» هم از روی فرصت - طلبی خطرناک است، آن هم نه خطری کوچک، بلکه:

«بزرگترین خطر انحراف از اصول و خطمشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران!»

مردم نباید احساس ناراضائی کنند

قیمت بلیت راه آهن بین ۲۰ تا ۵۰ درصد افزایش می یابد. سخنوری راه آهن دولتی ایران، ضمن اعلام این خبر، مزده داده است که فقط ۳۵ درصد بر قیمت بلیت کوبه های درجه ۳ قطار، یعنی کوبه های که زحمتکشان از آن استفاده میکنند، اضافه شده است. سخنوری راه آهن همچنین گفته است:

«چون از سال ۱۳۳۵ تاکنون نرخ بلیت های قطار به هیچ عنوان تغییر نکرده است و این امر باتوجه به افزایش نرخها و تورم لازم بوده و مردم در این مورد نباید احساس ناراضائی کنند»

مردم به احساس خود می گویند که بنای دنا راضی باشد، اما عیب کار اینجاست که احساس تابع بختنامه و باید و نباید نیست. متاسفانه احساس «مادی» است و ارتباط مستقیم با جیب صاحبش دارد.

ضد انقلاب ستاد عملیاتی خود را به مرز های ایران نزدیک میکند و به ایران وارد میشود

آقا و رباب همه، از کارتر و کاخ سفید وزارت خارجه و محافل سبونیستی گرفته تا بسیا و پنتاگون، همان جامعه انصارات امپریالیستی امریکا است، که آقای راکفلر، پادشاه بر تاج و تخت جهان امپریالیستی، در رأس آن قرار دارد.

کارترها، ونرها، کیسینجرها، همه مستخدمین بی چون و چرای وال استریت و آقای راکفلر هستند. آنها ممکن است هنگام میثت از خود نظری بگویند، ولی همه مجری آخرین تصمیم وال استریت اند. ساده اندیشی است اگر تصور شود که در امریکا مراکز گوناگون تصمیم گیری وجود دارد.

استادان و محافل سبونیستی گرفته تا بسیا و پنتاگون، همان جامعه انصارات امپریالیستی امریکا است، که آقای راکفلر، پادشاه بر تاج و تخت جهان امپریالیستی، در رأس آن قرار دارد.

کارترها، ونرها، کیسینجرها، همه مستخدمین بی چون و چرای وال استریت و آقای راکفلر هستند. آنها ممکن است هنگام میثت از خود نظری بگویند، ولی همه مجری آخرین تصمیم وال استریت اند. ساده اندیشی است اگر تصور شود که در امریکا مراکز گوناگون تصمیم گیری وجود دارد.

استادان و محافل سبونیستی گرفته تا بسیا و پنتاگون، همان جامعه انصارات امپریالیستی امریکا است، که آقای راکفلر، پادشاه بر تاج و تخت جهان امپریالیستی، در رأس آن قرار دارد.

کارترها، ونرها، کیسینجرها، همه مستخدمین بی چون و چرای وال استریت و آقای راکفلر هستند. آنها ممکن است هنگام میثت از خود نظری بگویند، ولی همه مجری آخرین تصمیم وال استریت اند. ساده اندیشی است اگر تصور شود که در امریکا مراکز گوناگون تصمیم گیری وجود دارد.

امپریالیسم امریکا محمد رضا پهلوی را جابجا کرد چرا؟

ساده لوحانه است تصور کسانی که تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیسم را بدلقغه شده

امپریالیسم امریکا محمد رضا پهلوی را جابجا کرد چرا؟

ساده لوحانه است تصور کسانی که تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیسم را بدلقغه شده

امپریالیسم امریکا محمد رضا پهلوی را جابجا کرد چرا؟

ساده لوحانه است تصور کسانی که تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیسم را بدلقغه شده

امپریالیسم امریکا محمد رضا پهلوی را جابجا کرد چرا؟

ساده لوحانه است تصور کسانی که تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیسم را بدلقغه شده

«نامه مردم» سه شنبه و چهارشنبه منتشر میشود

اگر رادیو بیطرف است...

رادیو تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی منتشر سازد...

اما خمینی - پیام نوروزی این سخنان امام برای چندمین بار، روز ۹ فروردین، توسط رادیو ایران نقل شد...

نام مردم روز بعد در مقاله ای تحت عنوان «... امریکاییها نمی آیند»...

این عمل، نقض صریح سخنان امام، نشانه بیطرف نبودن رادیو، جهت گیری آن بود...

اگر رادیو به حزب خاصی مربوط نیست، اگر رادیو مطابق فرمان امام بیطرف باید باشد...

علم سازش با امپریالیسم



برای اینکه به پرسش شما پاسخ درست داده شود، باید پیش از هر چیز ماهیت امپریالیسم را که دشمن اصلی ماست...

ماهیت ماهیت امپریالیسم دشمن اصلی ما، گداخته است؟ اگر بخواهیم بزبان ساده و همه فهم امپریالیسم واقعی را تعریف کنیم...

برای قابل فهم تر کردن این حساب ساده کاشیست به اقتصاد خودمان توجه کنیم...

نمونه این غارت را باید از مقایسه اضافه بهاء نفت با اضافه بهاء طلا که شاخص بالا رفتن قیمت کالاهای صادراتی کشور های امپریالیستی است...

امپریالیسم از سوی خصم امپریالیسم و همکارانشان از میان خائنین به جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی...

۱- کنال سیاسی - تحمیل قرارداد های سیاسی و تبدیل دولت های کشور های وابسته به دستگاه های مطیع و مجرى...

۲- کنال اقتصادی - تسلط صمجانیه بر اقتصاد این کشور ها از راه در دست گرفتن انحصاری منابع طبیعی...

۳- کنال نظامی - در دست گرفتن ارتش این کشور ها از راه تحمیل اذره کنندگان این ارتش ها بنام مستشاران...

۴- کنال فرهنگی - از راه تحمیل فرهنگ منط و فاسد سرمایه داری و شیوه زندگی امریکایی، اشاعه کثیف ترین شیوه زندگی فریبی، روحیات بی وطنی، انواع ملی...

متن سخنان رفیق کیانوری در گفت و گو با روزنامه اطلاعات

و پوشیده اعتیاد مواد مخدره، تزویج رهن فروشی خبیانه دزدی بوسیله فیلم های منط، کتاب ها و مجلات فساد انگیز...

یکی از عمده ترین راه های برقراری این تسلط فرهنگی وایدئولوژیکی امپریالیستی فاسد کردن گروه های بیسبب از صدها هزار دانشجو و شبه دانشجو است...

تنها مقایسه تعداد بسیار محدود آن دانشجویان ایرانی که در امریکا و اروپای غربی از مواضع ملی ما در مقابل جنایات امپریالیسم نفاق میکنند...

ماترینان در دوران سلطه جهانی شانندان منظور بیلوی، این تسلط امپریالیسم را در بیست و پنج سال اول بصورت تسلط امپریالیسم انگلیس و در اواخر آن امپریالیسم آلمان و در بیست و پنج سال آخر بصورت تسلط همه امپریالیست ها...

شکل خارجی این تسلط امپریالیستی همیشه یک نظام سیاه خفتان بوده است، زیرا مردم جهان حتی در دوران تازه ترین نقاط هر روز بیشتر به ماهیت چارانه و غارتگرانه امپریالیسم و طبقات حاکمه وابسته به آنان یعنی کلان سرمایه داران بزرگ مالکان پیوسته اند...

شیطانی پاپیون نبرد میگرداند، این جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی پایه های تسلط امپریالیستی را متزلزل میسازند و تنها رژیم های نظیر رژیم خاندان پهلوی و نظائر آن در سایر کشور ها میتوانند برای مدتی پایه های این تسلط های چارانه را برپا نگاهدارند...

انقلاب ایران نشان داد، یاسانطور که پیش از انقلاب ما، انقلاب های ظفرتوم کوبا و ویتنام و انگولا و بسیاری از کشور های دیگر آسیا و آفریقا و امریکا و امپریالیسم زده نشان دادند، سفاک ترین رژیم های امپریالیستی و نظامی نمی تواند در برابر سیل خروشان جنبش خلق ها مقاومت کند...

ج- آیا در یکسال اخیر، در مبارزه ضد امپریالیستی پیشرفتی داشتیم؟

بدون تامل میتوان باین پرسش پاسخ مثبت داد. انقلاب شکوهمند ایران، که رهبری امام خمینی در تمام دوران گسترش آن نقش بسیار بااهمیتی داشته است...

در راه ریشخندان ساختن تسلط امپریالیست های جهان افرو، بسرکردگی امریکا، برداشت تمام بحث براین مطلب است انقلاب ایران میتوانست در مدت یکسال با بهره گیری از شوه ایف فوق العاده مساعدی که هم از لحاظ درون ایران - بصورت پشتیبانی بی دریغ اکثریت مطلق توده ها - هم از لحاظ جهانی - بصورت پشتیبانی بی دریغ همه نیرو های ضد امپریالیستی سراسر جهان و از آنجمله کشور های سوسیالیستی - برایش وجود داشت...

انقلاب ایران می توانست در مدت یک سال با بهره گیری در بسیاری از میدان های نبرد، مبارزه برای رسیدن به هدف های انقلاب یعنی تامین استقلال ملی و دگرگونی های بنیادی در نظام ظالمانه آمرامهری، تامین استقلال ملی از چهارچوب شمار های بیون پشتوانه خارج نشده است...

واقعیست اینست که وابستگی برخی از عمده ترین رشته های حیاتی زندگی ما به امپریالیست های غارتگر، که امریکای جانیاتر سرکرده آنانست، تقریباً همان حالت دوران طغوت باقیمانده است و واقعیست که هر روز به عمق ناامیدان و ناخشنودان افزوده میشود و ضد انقلاب است که بیش از همه و بیش از همه از این روند بیمارگون بهره گیری می کند...

تنبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در کنار ندانندگی و ناپسندگی از طرف آن افرادی از رهبری اجرائی، که دارای حسن نیت و خواستار ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی هستند از یکسو، عمل آگاهانه آن افراد و گروه های وابسته به سرمایه داران لیبرال، که مبارزه علیه امپریالیسم

راتنها در چهارچوب منافع سودجویانه طبقاتی خویش می بینند و با مستکبری خلقی انقلاب در ستیزند از سوی دیگر، انقلاب در مجموعه خویش ضعیفتر میگردد و ضد انقلاب نیرو میگردد و ارتق و متجاوزتی میشود...

امروز میتوان گفت که با کمال تأسف رهبری اجرائی کشور زیر قانی امیر انتظامها و درینادار علوی ها و نوزیه ها و مرافقای ها، که هنوز در مقامات حاکمه مستکبرین بقامات را اشغال کرده اند، از یکسو سازشکاری و تسلیم طلبی لیبرالها، که حتی بطور موثری در شورای انقلاب حضور دارند، از سوی دیگر وساده اندیشی و کوتاه بینی سیاسی بسیاری از عناصر باحسن نیت از سوی سوم، در روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران انحراف جدی پدیدار شده است...

در زمینه حل مسئله ارضی، مسئله نوسازی و باز سازی اقتصادی، مسئله بیکاری، مسئله تورم و گرانی، مسئله آموزش و بهداشت، مسئله پایان بخشیدن به محرومیت های ملی خلق های غیر فارس هنوز گام موثری برداشته نشده و تنها هر روز شمار های پریشورانه ای از کناهای رادیو و تلویزیون بخورد سردی که کم باور میشوند، تکرار میگردد...

وحدت و یکپارچگی که در آستانه پیروزی وجود داشت، مدت باست که زیر تاثیر همان عوامل بالا از بین رفته و بجای آن شعله های خانمانسوز جنگ و جدل فتنگی هر روز بیشتر زبانه میکشد...

نیروهای انحصار طلب طلب مدهی دفاع از اسلام، ضد انقلاب و تمام تحریکات و تدارکاتش را علیه موجودیت انقلاب ایران، که هر روز مسکین تر میشود، تهریا فراموش کرده، به وحدت نیرو های ضد امپریالیستی و خلقی پشت بازده امکانات خود را برای ازباده آوردن نه تنها نیرو های راستین انقلابی چپ، بویژه حزب توده ایران، بلکه حتی نیرو های اسلامی خلقی مانند دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سازمان مجاهدین خلق و سایر سازمان ها و گروه های خلقی و ضد امپریالیستی اسلامی بکار انداخته اند...

این انحراف از سمتگیری ضد امپریالیستی انقلاب، بویژه در سیاست خارجی این نیرو های انحصار طلب مشهود است، که عینا با مستکبری نیرو های لیبرال ضد انقلابی هماهنگی پیدا میکند...

کاملا مشهود بود که تا قبل از زور داد جنبش شدن محمدرضا پهلوی بدست امپریالیست های امریکای، برای سیاست خارجی رسمی ایران، امپریالیسم امریکا و غرب و سرسپردگانش در منطقه به فراموشی سپرده شده و برعکس، همگامی با این دشمنان انقلاب ایران در تقویت نیرو های ضد انقلابی در افغانستان، به مستکبری عمده تبدیل گردیده بوده...

بنظر حزب توده ایران، بزرگترین خطری که دستاورد های انقلاب شکوهمند ایران را مورد تهدید جدی قرار داده، همین مستکبری سازش با امپریالیسم دشمنی و خصومت با نیرو های ضد امپریالیستی در سراسر جهان و بیش از همه با کشورهای سوسیالیستی است...

این دوگرایش دوروی یک مقابل استو هیچ زنگ نرودنی نمیتواند آنرا پوشاند، در مقابل انقلاب ایران دوازه بیشتر وجود ندارد: یاراه جنبش فلسطین، الجزیره و سونایه، یعنی راه مبارزه میکرو آشنی ناپذیر با امپریالیسم و صیونیسم، راه همدردی و همکاری با همه نیرو های جنبه جهانی ضد امپریالیستی و بویژه بزرگترین نیرو های این جنبه، یعنی کشورهای سوسیالیستی و یاراه یکن، یعنی راه دشمنی آشکار با جنبه جهانی ضد امپریالیستی و سازش آشکار با امپریالیسم جهانی...

بنظر ما، این دو انحراف، یعنی انحراف از سمتگیری خلقی در حل مسائل درونی کشور بسود تحکیم سرمایه داری و انحراف از سمتگیری اصیل، ضد امپریالیستی در سیاست خارجی بزرگترین خطر را برای انقلاب ایران بوجود آورده اند...

سازمان ضد انقلاب دره سراسر ایران حتی در تهران درحالی هر روز گسترش بیشتر پیدا میکند که دستگاه های امنیت دولت انقلابی تنها وظیفه ای که برای خود قائلند یکگیری و شناسائی نیرو های راستین چپ و نیرو های خلقی اسلامی است...

سازشکاری و تسلیم طلبان راه را برای ضد انقلاب هوار میسازند، اینست خطر واقعی و یکنه خطر واقعی، تاریخ قضاوت خواهد کرد!

Advertisement for MARDOM magazine, including contact information and prices in various currencies.

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم